

## رویای مقدس: آنجا که مسیح را نمی‌شناسند، او را بشارت دهیم

رومیان ۱۵: ۱۸-۲۴

زیرا جرأت نمی‌کنم که سخنی بگویم جز در آن اموری که مسیح به واسطهٔ من به عمل آورد، برای اطاعت امتها در قول و فعل، به قوت آیات و معجزات و به قوت روح خدا. به حدی که از اورشلیم دور زده تا به آلیرگون بشارت مسیح را تکمیل نمودم. اما حریص بودم که بشارت چنان بدهم، نه در جایی که اسم مسیح شهرت یافته بود، مبادا بر بنیاد غیر بنایم، بلکه چنان که مکتوب است: «آنانی که خبر او را نیافتند خواهند دید و کسانی که نشنیدند خواهند فهمید.» بنابراین، بارها از آمدن نزد شما ممنوع شدم. لکن چون الان مرا در این ممالک، دیگر، جایی نیست و سالهای بسیار است که مشتاق آمدن نزد شما بوده‌ام، هرگاه به اسپانیا سفر کنم به نزد شما خواهم آمد، زیرا امیدوار هستم که شما را در عبور ملاقات کنم و شما مرا به آن سوی مشایعت نمایید، بعد از آنکه از ملاقات شما اندکی سیر شوم.

در این آیات، سه موضوع مطرح شده است که تصور می‌کنم لازم باشد بر آنها تأمل نمایم، چرا که هر سه موضوع زندگی شما را کاملاً تحت تأثیر قرار می‌دهند (حتی اگر اکنون از آن آگاه نباشید) و همگی آنها مستقیماً به خدا و مقاصدش در قرن بیست و یکم مربوط می‌باشند. آن نکاتی که در این آیات به نظر می‌آیند از این قرارند: نخست، رویای مقدس؛ دوم، نیازی بی‌حد و اندازه؛ و سوم، تدبیری برای کل جهان. پس هر یک از این سه موارد را به ترتیب بررسی می‌کنیم تا ببینیم هر یک به چه شکلی به یکدیگر، به ما و به جهان امروز ما ربط دارند.

### ۱. رویای مقدس

آیهٔ ۲۰: «اما حریص بودم که بشارت چنان بدهم، نه در جایی که اسم مسیح شهرت یافته بود، مبادا بر بنیاد غیر بنایم.»

رویایی مقدس پولس را در اختیار داشت. به این دلیل می‌گویم «پولس را در اختیار داشت» چرا که خود در آیهٔ ۲۲ می‌گوید: «بنابراین، بارها از آمدن نزد شما ممنوع شدم.» در انتهای آیهٔ ۲۳ نیز می‌گوید: «سالهای بسیار است که مشتاق آمدن نزد شما بوده‌ام.» وقتی سالیان سال آرزومند انجام کاری هستید اما آن را به انجام نمی‌رسانید بدین معنی است که شما در اختیار چیزی هستید. چیزی که پولس را در اختیار داشت و او را از رفتن به روم بازمی‌داشت این بود که رویایش در مناطق اورشلیم تا آلیرگون هنوز پایان نیافته بود. اما، سرانجام، در آیهٔ ۲۳ می‌گوید: «مرا در این ممالک، دیگر، جایی نیست.» سپس در آیهٔ ۲۴ می‌گوید: «هرگاه به اسپانیا سفر کنم به نزد شما خواهم آمد، زیرا امیدوار هستم که شما را در عبور ملاقات کنم.»

به بیان دیگر، پولس در اختیار یک رویا بود تا از اورشلیم تا آلیرگون (کشور آلبانی امروز) انجیل را به آنانی که تا به حال نام عیسی را نشنیده بودند بشارت دهد و تا تحقق این رویا از آن روی نمی‌گرداند. حال، کار پولس در آن مناطق پایان یافته بود و رویایش او را رهسپار اسپانیا می‌نمود و این پایان یافتن فرصتی را برایش فراهم می‌نمود تا سرانجام آنچه سالها آرزومندش بود را به انجام برساند، یعنی دیدار از کلیسای روم و لذت بردن از مشارکتی کوتاه‌مدت با ایمانداران.

خوب است که رویایی مقدس انسان را در اختیار داشته باشد. آیا شما نیز در اختیار چنین رویای مقدسی هستید؟ من آن را «مقدس» می‌نامم، زیرا هدفش مقدس است و هدفش چیزی جز این نیست که شاهد باشد از هر قوم و ملیتی که هرگز نام عیسی را نشنیده‌اند به او ایمان آورند و مطیع او گردند و او ایشان را از گناهشان و از غضب خدا نجات بخشد. من این رویا را «مقدس» می‌نامم، زیرا این رویا از خدا و از کلام مقدسش سرچشمه می‌گیرد. پس هم بجا هم پسندیده است که رویایی مقدس ما را در اختیار داشته باشد.

آیا رویای مقدسی را در خود سراغ دارید؟ رویای همه نباید از جنس رویای پولس باشد. یکی می‌کارد، دیگری آبیاری می‌کند (اول قرن‌تیان ۳:۶-۸). هر شخص عطیه‌ای دارد (اول قرن‌تیان ۷:۷). هر شخص در مقابل آقای خودش استوار می‌ماند یا فرو می‌افتد (رومیان ۴:۱۴). اما فکر می‌کنم خدا خشنود خواهد بود اگر هر یک از فرزندان‌ش رویایی مقدس داشته باشند.

### رویای مقدس برای دختران و پسران

کودکان و خُردسالان، یک لحظه با دقت به من گوش دهید! می‌دانم که عبارت «رویای مقدس» عبارتی غیر معمول است و چیزی نیست که آن را هر روزه به کار برید. «رویای مقدس» به این معنا است که واقعاً بخواهید کاری را انجام دهید که خدا می‌خواهد انجامش دهید، چیزی که آن‌قدر طالب انجامش باشید که شما را از انجام کارهای دیگری که واقعاً دوست دارید بازدارد. سالها بود که پولس می‌خواست به روم برود، اما به روم نرفت، زیرا چیز دیگری را بیش از رفتن به روم دوست می‌داشت. او می‌خواست در آسیا و در یونان، که مردم دربارهٔ عیسی نشنیده بودند، انجیل را بشارت دهد. او خیلی خیلی خیلی می‌خواست آن بشارت را به انجام رساند. ما چنین اشتیاقی را «رویا» می‌نامیم و آن را «رویای مقدس» می‌نامیم، چرا که چیزی است که خدا می‌خواهد آن را به انجام رسانید.

آیا شما چنین رویایی دارید؟ شاید هنوز نداشته باشید. شما هنوز خُردسالید و قرار است که خُردسال باشید. ولی روزی خواهد آمد که دیگر خُردسال نخواهید بود و یکی از تفاوت‌های کودک بودن و بزرگ شدن این است که وقتی چون یک مسیحی بزرگ می‌شوید، به این معنی است که از رویایی مقدس برخوردار می‌گردید. بیشتر دختران خُردسال، از جمله طلپتای من، خیلی دوست دارند عروسک داشته باشند و با عروسک بازی کنند. بازی با عروسک خوب است، اما دختران کوچک! روزی خواهد آمد که بازی با عروسکها را که خیلی هم دلپذیر است کنار می‌گذارید و به بلوغ می‌رسید و با مراقبت از کودکان واقعی در مهدکودک کلیسا شادی بس عظیم‌تر و بهتری را تجربه خواهید کرد و شاید روزی فرا رسد که حتی خدمت رسیدگی به کودکان گرسنه را در مناطقی دور به عهده گیرید یا شاید مراقبت از کودکان تنهایی را که از نعمت داشتن پدر و مادر محرومند. این برای برخی از شما به رویایی مقدس تبدیل خواهد شد. برای برخی دیگر از شما نیز چیز دیگری رویای مقدس خواهد بود.

حال، شما پسران گوش دهید! اگر دوران کودکی شما مثل دوران کودکی من است، این چیزها را خیلی دوست دارید: توپ، ماشین، تفنگ و یک هم‌بازی! من هیچ‌گاه تفنگ واقعی نداشتم (به جز تفنگ ساچمه‌ای). اما با هفت‌تیرم که مثل هفت‌تیر مت دیلون بود و تفنگم که مثل تفنگ لوکاس مک کین دستگیره حلقه‌ای داشت به خیلی از آدم‌بدها شلیک می‌کردم. من عاشق این بودم که با دوستانم فوتبال بازی کنم یا جاده آن طرف خیابان را گود کنم تا کامیونم را از خاک پر کنم. من آن‌قدر سریع هفت‌تیر می‌کشیدم که حتی نمی‌توانستید به چشم ببینید! همهٔ اینها خوب و سرگرم‌کننده بودند.

اما روزی خواهد آمد که دیگر پسر خُردسالی نخواهید بود و یکی از تفاوت‌های کودک بودن و بزرگ شدن این است که وقتی چون یک مسیحی بزرگ می‌شوید، یعنی که از رویایی مقدس برخوردار می‌گردید و این بدان معنا است که خوشی تفنگ و کامیون و توپ کم‌رنگ می‌شود و جای خود را به شادی عظیم‌تر نبرد برای عدالت و نبرد برای نجات ابدی می‌دهد. بزرگ شدن به این معنا است که از رویای مقدسی برخوردار شوید که شمشیر روح را با قوت به کار گیرید و خوارها محبت را به نزد نیازمندان ببرید و در نام عیسی به شیطان اُردنگی برزید.

پدران، مادران، مجردان، پیران، جوانان، مسیحیان! باید که رویایی مقدس داشته باشید، چیزی که خیلی خیلی طالبش باشید تا آن را برای جلال خدا به انجام رسانید، چیزی که شما را در اختیار گیرد. آن رویا شما را یاری می‌رساند تا بتوانید مانند پولس باز هم از رفتن به روم خودداری نمایید. آن رویا به زندگی شما شور و شوق می‌بخشد و باعث می‌شود بر ابدیت تمرکز نمایید.

## سرچشمهٔ رویای مقدس

این رویای مقدس از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ بخش مهمی از پاسخ به این پرسش در آیات ۲۰ و ۲۱ یافت می‌شود «اما حریص بودم که بشارت چنان بدهم، نه در جایی که اسم مسیح شهرت یافته بود، مبادا بر بنیاد غیر بنایم، بلکه چنان که مکتوب است [پولس از اشعیا ۱۵:۵۲ نقل قول می‌کند]: آنانی که خبر او را نیافتند خواهند دید و کسانی که نشنیدند خواهند فهمید.»

این همان امر شگفت‌انگیزی است که به ما ربط می‌یابد. با توجه به اعمال رسولان فصلهای ۹؛ ۲۲؛ ۲۶، می‌دانیم که مسیح پس از رستاخیزش پولس را در راه دمشق خواند و در اعمال رسولان ۱۸:۲۶ مأموریتش را مشخص نمود: «تو را به نزد آنها [غیر یهودیان، امتهای] خواهم فرستاد تا چشمان ایشان را باز کنی تا از ظلمت به سوی نور و از قدرت شیطان به جانب خدا برگردند تا آموزش گناهان و میراثی در میان مقدسان، به وسیلهٔ ایمانی که بر من است، بیابند.» بنابراین، عیسی مسیح که از مردگان قیام نمود و زنده و حاکم مطلق است، مستقیماً، پولس را خواند تا نوری برای غیر یهودیان گردد.

اما در رومیان ۲۱:۱۵ منظور پولس این نیست. او نمی‌گوید «من رویا دارم تا برای امتهایی که مسیح را نمی‌شناسند نور باشم، چرا که عیسی مرا در راه دمشق فرا خواند.» او می‌گوید: «من این رویا را دارم، یعنی شور و اشتیاقی مرا پیش می‌برد تا در جایی که مسیح را نمی‌شناسند او را بشارت دهم، چرا که اشعیا ۱۵:۵۲ می‌فرماید: آنانی که خبر او را نیافتند خواهند دید و کسانی که نشنیدند خواهند فهمید.»

از این حقیقت چه چیزی را برداشت می‌کنید؟ برداشت من این است که وقتی عیسی در راه دمشق پولس را خواند تا انجیل را به غیر یهودیانی بشارت دهد که از آن بی‌خبر بودند، پولس به عهدعتیق مراجعه کرد و در پی تأیید و توضیحی برای این خواندگی بود تا ببیند این خواندگی به چه شکلی با نقشهٔ کلی خدا مطابقت داشت. او به آن تأیید و توضیح رسید و به خاطر ما چنین نوشت. او به تجربه‌اش در راه دمشق اشاره نمی‌کند، چرا که ما هرگز چنین تجربه‌ای نخواهیم داشت. در عوض، به کلام مکتوب خدا که در دسترس ما است اشاره می‌نماید و اصل و اساس رویایش را در کلام خدا مستقر می‌نماید.

حال، به پرسشی که مطرح کردم بازگردیم: رویای مقدس شما از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ پاسخ اینجا است که آن رویا از ملاقات شخصی با مسیح زنده سرچشمه می‌گیرد (نه اینکه الزاماً ملاقاتی شگرف چون ملاقات در راه دمشق باشد). آن رویا رویایی است که کلام مکتوب خدا آن را شکل می‌دهد و آن را قوت می‌بخشد و منشأ بینش و آگاهی‌اش است. وقتی شب و روز در شریعت خداوند تأمل می‌کنید (مزمور ۱:۲۰)، وقتی خود را در کلام خدا غوطه‌ور می‌سازید، آن‌گاه، خدا با حقیقتی از کلامش دلتان را آتش می‌زند و آن را به رویایی مقدس تبدیل می‌سازد. اگر هنوز دلتان برای چنین رویایی آتش نگرفته است، خود را با کلام خدا لبریز سازید و از او بخواهید آتشی در دلتان بیفروزد.

## ۲. نیازی بی‌حد و اندازه

خدا ما را به رویایی بی‌نتیجه، رویایی که در پایان زندگی‌تان حسرت بر جای گذارد هدایت نمی‌کند. رویای مقدس همواره نیازی را برطرف خواهد کرد. نه اینکه خدا نیازمند باشد، بلکه دنیا نیازمند است. رویای مقدس برای خودستایی نیست. رویای مقدس شکلی از محبت است. رویای مقدس همواره نیاز کسی را برطرف خواهد کرد.

آن نیاز بی‌حد و اندازه چیست که پولس در این آیات بدان اشاره می‌کند؟ آیهٔ ۲۰: «اما حریص بودم که بشارت چنان بدهم، نه در جایی که اسم مسیح شهرت یافته بود.» این بدان معنا است که پولس صورتش را چون سنگ خارا نموده بود تا انجیل را به مردمی بشارت دهد که هرگز دربارهٔ مسیح نشنیده بودند. آنها حتی نام مسیح را هم نشنیده بودند.

## امتها هیچ عذر و بهانه‌ای ندارند

حال، این پرسش مطرح است: اگر آن مردمان حتی نام عیسی را هم نشنیده بودند، آیا در قبال ایمان آوردن به او پاسخگو بودند؟ اگر پاسخگو نبودند، آیا برایشان بهتر نمی‌بود پولس آنها را در جهالتشان باقی می‌گذاشت و به این دلخوش بود که چون نام عیسی را نشنیده بودند خدا به ایشان رحم می‌کرد و از نجات ابدی بی‌بهره نمی‌ماندند؟ پولس، چرا این همه به خود زحمت می‌دهی که انجیل را به مردمی بشارت دهی که هرگز نام عیسی را نشنیده‌اند؟

پولس در رومیان ۱: ۱۸-۲۳ به این پرسش پاسخ می‌دهد. این آیات را به آرامی و با هشجاری بخوانید و مانند پولس اهمیتشان را احساس کنید. این آیات دربارهٔ جمیع مردمان و امتهایی نوشته شده است که هرگز نام عیسی را نشنیده‌اند و رویای مقدس پولس به نزد ایشان پیش می‌رود.

«غضب خدا از آسمان مکشوف می‌شود بر هر بی‌دینی و ناراستیِ مردمانی که راستی را در ناراستی بازمی‌دارند. چون که آنچه از خدا می‌توان شناخت در ایشان ظاهر است، زیرا خدا آن را بر ایشان ظاهر کرده است. زیرا که چیزهای نادیده او، یعنی قوت سَرمدی و الوهیتش، از حین آفرینش عالم، به وسیلهٔ کارهای او فهمیده و دیده می‌شود تا ایشان را عذری نباشد. زیرا هرچند خدا را شناختند ولی او را چون خدا تمجید و شکر نکردند، بلکه در خیالاتِ خود باطل گردیده، دل بی‌فهم ایشان تاریک گشت. ادعای حکمت می‌کردند و احق گردیدند و جلال خدای غیر فانی را به شبیه صورتِ انسان فانی و طیور و بهایم و حشرات تبدیل نمودند.»

پولس در رومیان ۲: ۱۲ می‌گوید: «آنانی که بدون شریعت گناه کنند بی‌شریعت نیز هلاک شوند و آنانی که با شریعت گناه کنند از شریعت بر ایشان حکم خواهد شد.» هر کسی بنا بر آنچه که به آن متهم است داوری خواهد شد و هر که پیغام انجیل را نمی‌شنود هلاک خواهد شد، چرا که حقیقت را که در دسترسش است سرکوب می‌نماید و زندگی‌اش را در سرکشی و نافرمانی از خدا سپری می‌کند. فقط یک امید وجود دارد: شنیدن انجیل عیسی مسیح و ایمان آوردن به او.

نیاز امتهایی که نام عیسی را نشنیده‌اند نیازی بی‌حد و بی‌اندازه و بی‌کران است. بیشترین نیازی که می‌توان تصورش را نمود نیاز امتهای به شنیدن انجیل عیسی مسیح و ایمان آوردن به او است. زیرا انجیل عیسی «قوت خدا است برای نجات هر کس که ایمان آورد، اول یهود و پس یونانی» (رومیان ۱: ۱۶). بدون انجیل، هیچ‌کس نجات نمی‌یابد.

اگرچه همگان خواننده نشده‌اند که مثل پولس بروند و بشارت دهند، اما شما نمی‌توانید شخص بامحبتی باشید ولی نخواهید زندگی‌تان صرف برطرف نمودن این نیاز گردد.

## ۳. تدبیری برای کل جهان

ولی خدا برخی از شما را خوانده است تا به پولس بپیوندید و شخصاً در این تدبیر جهانی و خاص سهیم گردید و آن را پیشه و کسب و کار خود سازید. آن تدبیر حیرت‌آور و گفتار حیرت‌آور پولس از این قرار است:

نخست، آیهٔ ۱۹: «از اورشلیم دور زده تا به آلیرگون بشارت مسیح را تکمیل نمودم.» یعنی پولس از اورشلیم به سوریه می‌رود، سپس از آسیای صغیر (ترکیه) می‌گذرد و در مسیرش به سمت مشرق به یونان می‌رسد. سپس به سمت مغرب و به شمال ایتالیا، نقطه‌ای که کشور آلبانی امروز قرار دارد، پا می‌نهد. پولس می‌گوید بشارت انجیل را در این مناطق به انجام رسانده است. سپس با این جمله در آیهٔ ۲۳ بر گفتهٔ مبهوت‌کننده‌اش تأکید می‌نماید: «مرا در این ممالک، دیگر، جایی نیست.» آن‌گاه در آیهٔ ۲۴ می‌گوید: «به اسپانیا سفر می‌کنم.»

منظور پولس چیست که می‌گوید برای او در اورشلیم تا آلیرگون دیگر جایی نیست؟ گزافه‌گویی نیست که بگوییم هنوز ده‌ها هزار نفر در آن مناطق وجود داشتند که می‌بایست بدیشان بشارت داده می‌شد. نیاز به بشارت در آن مناطق مشهود بود، چرا که پولس خطاب به تیموتائوس در افسس (که یکی از همین مناطق است) می‌نویسد و به او حکم می‌کند که «عمل مبشر را به‌جا آور» (دوم تیموتائوس ۴:۵). به بیان دیگر، کسانی وجود داشتند که می‌بایست به آنها بشارت داده می‌شد، ولی پولس می‌گوید که کارش در این منطقه پایان یافته است.

برداشت ما این است که پولس مبشری محلی نبود. او مبشری برون‌مرزی بود. او مبشری پیشگام بود. یعنی خواندگی و رویای او این نبود که در جایی که کلیسایی وجود داشت بشارت دهد. این کلیسا بود که می‌بایست بشارت می‌داد. خواندگی و رویای پولس این بود که در جایی که کلیسای بشارتی وجود نداشت، در جایی که مسیحیان حضور نداشتند، در جایی که حتی نام عیسی را نشنیده بودند، انجیل را بشارت دهد.

### خدمات بشارتی، بشارت دادن، رویای مقدس

نکته آن نیست که این واژگان را چه می‌نامیم، بلکه معنا و عملکردشان از اهمیت برخوردار است. برخی مبشران، که به خدمات بشارتی مشغولند، پیشگام هستند و برون‌مرزی خدمت می‌کنند. برخی دیگر صرفاً بشارت‌دهنده هستند. آنان که به خدمات بشارتی مشغولند از فرهنگها گذر می‌کنند و زبانهای تازه می‌آموزند. مبشران برون‌مرزی «در قول و فعل، به قوت آیات و معجزات و به قوت روح خدا» زندگی‌شان را وقف می‌نمایند تا هزاران سال ظلمت و حکمرانی شیطان بر مردمانی که شاه شاهان و منجی جهان را نمی‌شناسند در هم بشکنند.

این رویای پولس بود. حال، از آنجایی که آن مأموریت عظیم شاگرد ساختن جمیع امتهای هنوز به قوت خود باقی است و امروز نیز مردمانی وجود دارند که از انجیل بی‌خبرند، دعای هر کلیسایی باید این باشد که خدا بسی مبشران برون‌مرزی را به صحنه آورد و همه ما را بشارت‌دهنده گرداند.

می‌توانم تصور کنم و در واقع دعا می‌کنم که ده سال بعد یک نفر و شاید ده نفر از شما از نقطه‌ای در این دنیا که مردمانش پیغام انجیل را نشنیده‌اند نامه فرستاده‌اید و می‌گویید: «من اینجا هستم تا انجیل را به کسانی بشارت دهم که هرگز آن را نشنیده‌اند. زیرا همان‌طور که در رومیان ۲۰:۱۵ مکتوب است: (حریص بودم که بشارت چنان بدهم، نه در جایی که اسم مسیح شهرت یافته بود، مبادا بر بنیاد غیر بنیاد بنمایم). در ماه اوت سال ۲۰۰۶، در کلیسای تعمیدی بیت‌لحم، خدا با این آیات آتشی در دلم افروخت و آن را به رویایی مقدس تبدیل نمود.»

ای خداوند، خواهش من این است که این تصور را به حقیقت تبدیل نمایی. آمین.

جان پای‌پر